



حقیقت انقلاب ثور

ادگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شنبه ۲۰ عقرب ۱۳۶۵
November 11, 1986
سال هفتم شماره ۶۱
شماره مسلسل ۱۵۸۰
سال گشمی ۱۳۵۹

وحدت اساس قدرت ماست

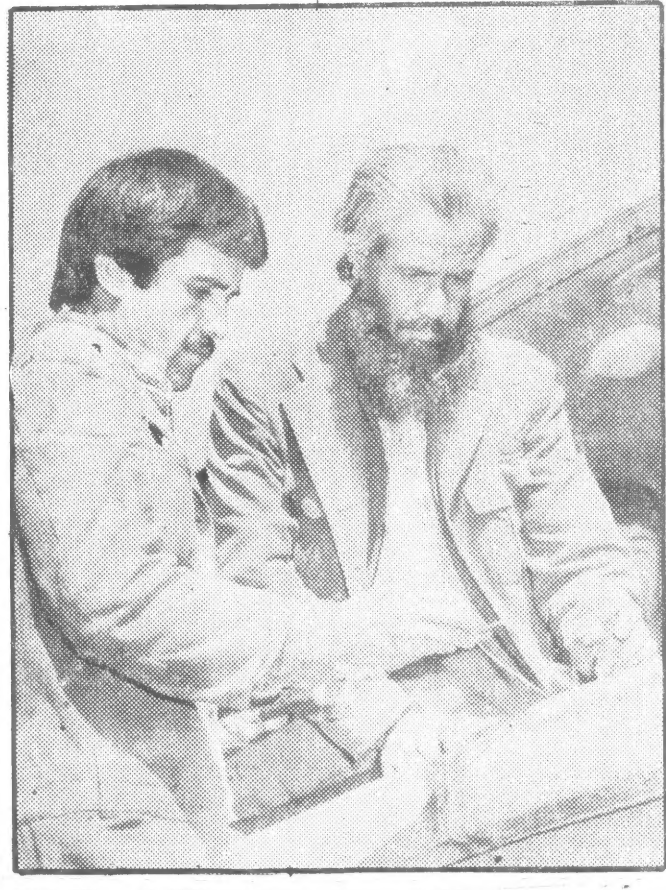
حزب ما، ج.د.خ.۱۰ ایمن پشا هنگ و زمینده طبعه کارگر و زمینداران کشور با شدت هر روز بیشتر به پیش می رود و مندر تر گردیده و امر گام می برد. طی سال جاری پد- یرش به صفوف حزب وسیعاً افزایش یافته است. فعلاً در صفوف حزب ما بیش از ۱۶۰ هزار تن عضویت دارند. در پرتو منشئ اصولی حزب ما جهت تحقق فیصله های پلینوم نزد هم کمیته مرکزی ج.د.خ.۱۰ طی ماه های اخیر وحدت عام و تمام ج.د.خ.۱۰ با ((جمعیت انقلابی زمینداران افغانستان)) و ((سازمان پیشاهنگ کارگران جوان افغانستان)) و ((سازمان پیشاهنگ زمینداران افغانستان)) صورت گرفت که از اهمیت جدی سیاسی برخوردار است. وحدت ج.د.خ.۱۰ با ساوا ما نهایی چپ و دموکراتیک که پروسه آن ادامه دارد، نه صرفاً از لحاظ جمع میکانیکی نیرو و بلکه از لحاظ ماهیت عملی مسأله رویداد مهمی در تاریخ جنبش انقلابی کشور شمرده میشود و خود به نظر عمده تقویت گرایش بسوی وحدت است. این امر طوری که رفیق نجیب منشی عمو می کمیته مرکزی ج.د.خ.۱۰ در پلینوم نزد هم کمیته مرکزی حزب خاطر نشان ساخت: «(بیانگر واقعیتی سیاسی ما)» بوده و با استقبال عمیق و طبعاً در کشور و در بین دشمنان انقلاب و وطن ما همیشه پشی حساب خود را بر تفرقه در حزب و جنبش انقلابی کشور گذاشته اند. آنها همه نگویند که پیوسته سعی می کنند واقعیت یکپارچگی حزب ما را نفی کنند، همچنان تلاش می ورزند تا از راه تبلیغات موزی با نه ذهن اعضای حزب و مردم را متشوش سازند. البته برای ما مسأله تحکیم و تقویت وحدت و یکپارچگی درون حزبی، وحدت جنبش انقلابی، و وحدت حزب و مردم همیشه به عنوان وظیفه مهم مطرح است. تفرقه افکنی سلاح دشمن است و وحدت اساسی قدرت ما، و این امر نیاز به اثبات ندارد. ما همه نگویند که به پیاپی بر دایره دشمنان خود ازش قایل نیستیم، هیچگاه حتی برای لحظه ای هم مسوولیت خود را در قبال امر بزرگ جلب و طبعاً زمینداران به سوی حزب و یکپارچگی و وحدت حزب و جنبش انقلابی از یاد نمی بردیم. امروز هنگامیکه دشمنان ما در تلاش اند فعالیت های ضد وطنی و ضد انقلابی خود را با بهره گیری از هر امکانش به سطح نوینی ارتقا بخشند و استفاده از زیربوه های جدید را در مبارزه علیه قدرت مردم جستجو کنند، مسأله جلب هر چه بیشتر فرزندان وطن پرست کشور به سوی حزب و تحکیم و تقویت وحدت حزبی با ابرام خاصی در برابر ما عرض اندامی کند.

اساسات عمده وحدت ما وجود دارد و آن منشئ سیاسی در دست و علم است. سنجیده شده، متمرکز کردن نیرو و پیرامون تحقق این منشئ و مبارزه، در گذار از حرف به عمل، موازیسن آزمون شده سازمانی و انسجام تشکیلاتی حزب و رهبری جمعی و تنظیم و اجرای فعالیت ها، مبانی و حدت و یکپارچگی و ایدئولوژیک، تحلیل مسائل و عمل نمودن آنها و در مجموع، کلیت منشی و فعالیت عملی حزب می باشد.

تحکیم وحدت حزبی با پروسه آغاز شده باز سازی کار حزبی، سیاسی پیوسته و گسستنا پذیر دارد. باز سازی امور که در پاسخ به مطالبات زندگی مطرح گردیده، باید بتواند در اسرع زمان حزب را تقویت بخشد و کارایی فعالیت عملی آن را افزایش دهد. نتیجه اساسی این امر عبارت خواهد بود از تحکیم حزب و نقش رهبری کننده و سازمانده آن در جامعه و در میان مردم. بدینگونه خود پروسه باز سازی عملاً در خدمت جلب همه و طبعاً زمینداران به صفوف ج.د.خ.۱۰، تأمین ثمر بخشی کار، نیرومندی اعتقاد اعضای حزب به صحت منشئ سیاسی و تحکیم وحدت حزبی قرار دارد. تحکیم وحدت حزبی همچنان خواستار تقویت پیوسته موازین تشکیلاتی و انقلابی، مبارزه علیه گمراهی ها و گمراهی های ضد حزبی، تعمیم فرهنگ انتقاد و انتقاد از خود و در مجموع تقویت اصول دین سترا لیزم دموکراتیک است.

در حال حاضر که حزب باز لحاظ کمی و کیفی مداوماً رشد می کند و دامنه تأثیر آن بر توده ها فزونی می گیرد همه کمیته ها و سازمان های حزبی ما وظیفه دارند تا مواظبت از امر وحدت حزبی را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند. وحدت برای ما شکل حیات حزب است که بدون آن حزب انقلابی وجود ندارد. از نیروی تربیت اعضای حزب با چنان روخیه که هر یکی حداکثر نیروی خود را برای تحکیم وحدت و یکپارچگی حزب و وحدت حزب با مردم وقف کند و در هر کمیته و سازمان حزبی از رعایت موازین سازمانی و تطبیق و فقه نا پذیر منشئ حزب مواظبت به عمل آید، از وظایف عمده به شمار می رود. این شعار باید در سر خط عمل هر عضو حزب قرار گیرد که: وحدت اساسی قدرت ما است و از آن باید چون مردمک چشم حفاظت به عمل آورد.

فیصله های پلینوم ۱۹ در عمل



دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن در جنبه اقتصاد و عرصه نظامی از اهمیت همسان برخوردار است. بتاسی از این درک و در فهم و فیصله های نزدیک پلینوم کمیته مرکزی ج.د.خ.۱۰، توده های مردم با شور و احساس مسوولیت همگون در درود عرصه می زنند. عکسها: از هاشم نذیر و لطیفی

پیوستن به قوای مسلح

بخاطر تحقق تصامیم و فیصله های پلینوم ۱۹ کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جهت ستر و حفاظت سرحدات و دفع و طرد ضد انقلاب صادر شده از خارج کشور، پیوستن جوانان به صفوف گروه های مدافعین انقلاب و جلیشه های سرحدی و کندک های قومی در ولایت بکتیا ادامه دارد.

بهین سلسله پیروزی نیز هفتاد نفر از جوانان ولسوالی لجه منگل به صفوف گروه های مدافعین انقلاب آن ولسوالی پیوستند.

بعد از تدویر پلینوم نزد هم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تاکنون کندک سرحدی ولسوالی شکنی با کمیته یکصد نفر ایجاد گردیده و همچنان بیش از نه صد و هفتاد نفر از جوانان بصورت داوطلبانه به غنث قومی ولسوالی لجه منگل گروه مدافعین انقلاب ولسوالی سید کرم گروه مدافعین انقلاب شهر گردیز و غنث قومی مرکز ولایت بکتیا پیوسته و مسلحانه از وطن و دست آورد های انقلاب نور دفاع می نمایند. باختر

ایجاد کو پراتیفا

سلسله ایجاد کو پراتیف های استیلای اخیراً یک کو پراتیف استیلای بنام سعادت در فارم زراعتی ترک ولسوالی دامان ولایت کند هار به عضویت شصت و دو نفر ایجاد گردیده است. در مراسمی که به همین مناسبت در مرکز آن ولسوالی دایر گردیده بود هیات مدیره این کو پراتیف در فضای آزاد و دموکراتیک از میان اعضای آن انتخاب شد.

یک منبع اتحادیه کو پراتیف های دمقاران ولایت کند هار گفت: این جرمین کو پراتیف استیلای می باشد که طی هفت ماه اسسال در مریوطات ولایت کند هار ایجاد گردیده است.

منبع افزود: فعلاً در سطح ولایت کند هار پنج کو پراتیف استیلای به عضویت یک هزار و سه صد و چهل و هفت نفر فعالیت داشته که طی سال جاری تقریباً به ارزش سه میلیون افغانسی اجناس استیلای و مواد طرف ضرورت اولیه از طرف مغازه های آن نازلتر از قیمت بازار عرضه گردیده است. همچنان بیش از سه صد و دو نفر از اعضای این کو پراتیف ها در گروه های مدافعین انقلاب و دفاع ملی تعلیم گردیده اند. باختر

گروپ های ضربتی کار در محلات

بتاسی از تصامیم و فیصله های ارزشمند پلینوم نزد هم اخیراً (۵) گروپ ضربتی کار بنظور کمک با اهالی و توضیح فیصله های پلینوم عازم ولسوالی های شیننده، ادرسکن، انجیل، گذره و کشک گردیده و وظایف ثمر بخش را انجام داده اند.

گروپ های متذکره بر وفق پلان بر علاوه توضیح و تشریح تصامیم پلینوم نزد هم در جریان کار (۸) شورای دهقانی قریه (۱) کمیته دهقانی استفا دهکنده گان آب و دو باب کو پراتیف های ارزشمند پلینوم نزد هم اخیراً (۵) گروپ ضربتی کار بنظور کمک با اهالی و توضیح فیصله های پلینوم عازم ولسوالی های شیننده، ادرسکن، انجیل، گذره و کشک گردیده و وظایف ثمر بخش را انجام داده اند.

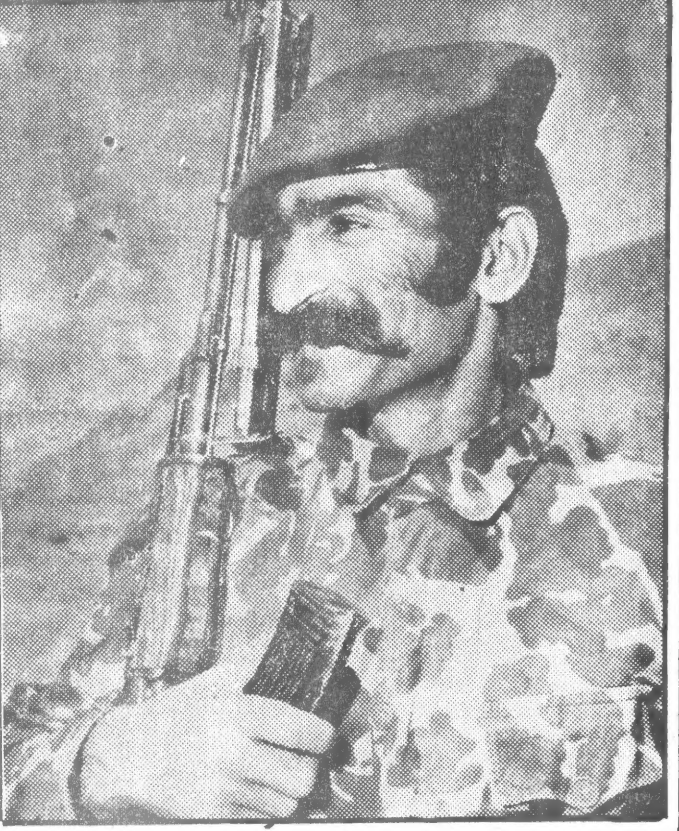
گروپ های متذکره بر وفق پلان بر علاوه توضیح و تشریح تصامیم پلینوم نزد هم در جریان کار (۸) شورای دهقانی قریه (۱) کمیته دهقانی استفا دهکنده گان آب و دو باب کو پراتیف های ارزشمند پلینوم نزد هم اخیراً (۵) گروپ ضربتی کار بنظور کمک با اهالی و توضیح فیصله های پلینوم عازم ولسوالی های شیننده، ادرسکن، انجیل، گذره و کشک گردیده و وظایف ثمر بخش را انجام داده اند.

در کوهستان سر کشیده

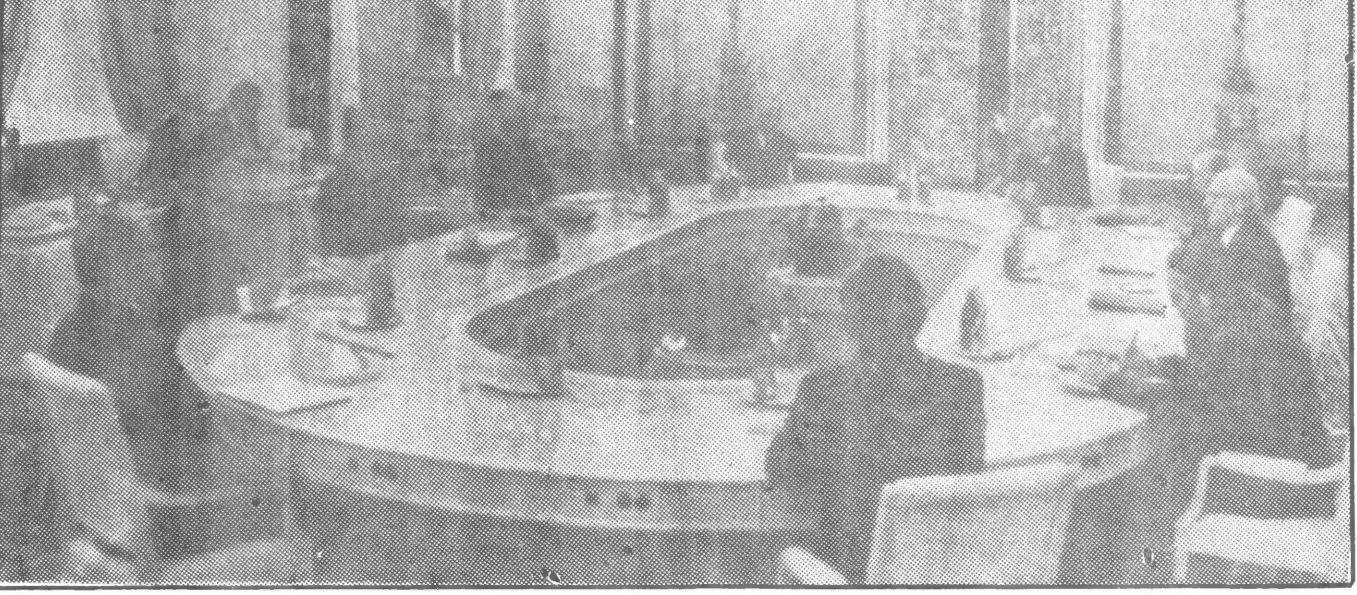
مرد مسلحی را که از او نگهداری میکرد در حال بیخودی یافت و با شتاب، گوی هم نیرو یکبار و با سرعت در وجود او متمرکز گردیده با شد، با ضربات محکمی کار او رایکسر کرده به بسوی دامنه های کوه به دویدن پرداخت. قلبش، به تندی می زد. تا ثیر لست و کوب و درد و عذاب زخم ها ناگهان گویی بر او هجوم آورده با شد او را بی حال و ناتوان میساخت. اما نیروی مرموزی او را واداره دودیدن و رفتن میکرد. او شتاب میکرد و از دامنه کوه (۲ ص)

خود پیخورد شد اما نشد دیگران پوست از تن جدا می سازند. آمده ام ترا کمک کنم تا از چنگ آنها فرار چشم های او از شدت درد سنگینی میکردند.

ناگاه فشار دستی را بر شانه احساس کرد. به مشکل از زمین بلند شد. در نگاه های که بسوی پش دوخته شده بودند، بر خلاف تصور نه نشانی از خونخواری، بلکه صمیمیت توام با تبسم مشا همد میگرد: ((مراتبه اینجا ببیند تو در چنگال مرد آموخواری بنام مولوی قسره قرار داری. آنها شب بزم می بر پا می کنند و همینکه از



اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث



تدویر کنفرانس کشور های عضو کومیکان

به گزارش آژانس خبری تاس رهبران احزاب برادر کشور های سوسیالیستی عضو شورای تعاون متقابل اقتصاد کنفرانس رسمی شانرا دیروز در مسکو آغاز کردند.

طبق یک خبر دیگر بخاطر اشتراک در جلسه رسمی سران احزاب برادر کشور های سوسیالیستی

عضو شورای تعاون متقابل اقتصاد کنفرانس رسمی شانرا دیروز در مسکو آغاز کردند.

طبق یک خبر دیگر بخاطر اشتراک در جلسه رسمی سران احزاب برادر کشور های سوسیالیستی

تاس - باختر - تیلی فو تو

هنگام مذاکره (۳ ص)

نام قهرمانان و سرسپردگان وطن و انقلاب جاویدان است!

پیام تبریکه

از طرف رفیق نجیب منشی
عمو می کیمه مر کزی حزب
دمو کرا تیک خلق افغانستان
پیام تبریکه یی عنوانی
رفیق دانیل اورتیکا ساودرا
عضو رهبری ملی جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا و رئیس جمهور
جمهوری نیکاراگوا بناسیت
بزرگداشت از ۲۵ مین
سا لگرد تا' سیس جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا به شرح آتی به
ما نا گوا مخا بره شده است.
رفیق اوجمند!
مسترد دارم بنیایندگی از
کیمه مر کزی حزب دمو -
کرا تیک خلق افغانستان
کلیه اعضای حزب و مردم
انقلابی و صلح دوست
جمهوری دمو کرا تیک افغان-
ستان بهترین تبریکات
رفیقا نه و تمینات خوشا
بنیایست بزرگداشت از ۲۵
مین سا لگرد تا' سیس جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا به شما رفیق
گرامی و از طریق شما بهمه
اعضای جبهه سا ند یست
برای آزادی ملی و مردم
قهر مان رز منده نیکا راگوا
اېراز نام .
۲۵ مین سال تا سیس جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا و یاد بود ازدهمین
سا لگرد شهادت کار لو س-
فونسیکا اما دور مو سس آن
جبهه بازمی مقارن است
که اوضاع بین المللی در نتیجه
سیاست نظامی گرانده و
ما جراجو یا نه ایا لات متحده
امریکا و سایر کشورهای
عضو ناتو به وخامت پیسابقه
گرا تیک و صلح و امنیت
بین المللی بمخاطره جدی
مواجهه شده است .
امیر یا لیزم ایا لات متحده
امریکا با تسریع لگام گسیخته
و کشایند آن به فضای خارجی
مشی مقابل جوی راتشیدیه
نموده و با تعقیب سیاست
نیو گلوبلیزم که تسلط و
تشدید جنگهای اعلام نشده
علیه جمهوری دمو کرا تیک
افغانستان و نیکا راگوا
انقلابی از مظلوم بارز آن
است، سیاست ترو دریزم
نولتی را بمشبه سیاست
رسی در عمل پیاده میسازد.
اداره ریکن با ایجاد وضع
متشنع در امریکای مرکزی و
استفاده از همه وسایل
منجمله اعمال فشار اقتصادی،
سیاسی، دیپلوما تیک، براه
انداختن ما تور های تحریک
آزمین نظامی و گسترش ابعاد
جنگ روانی بطر مذبو حانه
میکوشد تا خلق نیکا راگوا

را از راه بر گزیده شان
محروم و انقلاب مردمی و
سا ند یستی نیکاراگوا را به
شکست موا جبه سازد، ولی
خلق رز منده نیکا راگوا با
الهام از میا رزات آزادی
خوا نه نیا کان خوشی در
تحت رهبری شخصیت انقلابی
بر جسته فو گوستو سزار
ساندینو و اندیشه هیتلر
سترگ وی مصمصا نه بلور
پیشا هنگ نبرد از مسوده
سیاسی شان ، یعنی جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا، گرد آمده و
قا طمانه از انقلاب و دست-
آورد های آن دفاع مینمایند.
کار نامه میا رزات قهر مانانه
کار لو س فونسیکا اما دور
انقلابی و صلح دوست
جمهوری دمو کرا تیک افغان-
ستان بهترین تبریکات
رفیقا نه و تمینات خوشا
بنیایست بزرگداشت از ۲۵
مین سا لگرد تا' سیس جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا به شما رفیق
گرامی و از طریق شما بهمه
اعضای جبهه سا ند یست
برای آزادی ملی و مردم
قهر مان رز منده نیکا راگوا
اېراز نام .

۲۵ مین سال تا سیس جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا و یاد بود ازدهمین
سا لگرد شهادت کار لو س-
فونسیکا اما دور مو سس آن
جبهه بازمی مقارن است
که اوضاع بین المللی در نتیجه
سیاست نظامی گرانده و
ما جراجو یا نه ایا لات متحده
امریکا و سایر کشورهای
عضو ناتو به وخامت پیسابقه
گرا تیک و صلح و امنیت
بین المللی بمخاطره جدی
مواجهه شده است .
امیر یا لیزم ایا لات متحده
امریکا با تسریع لگام گسیخته
و کشایند آن به فضای خارجی
مشی مقابل جوی راتشیدیه
نموده و با تعقیب سیاست
نیو گلوبلیزم که تسلط و
تشدید جنگهای اعلام نشده
علیه جمهوری دمو کرا تیک
افغانستان و نیکا راگوا
انقلابی از مظلوم بارز آن
است، سیاست ترو دریزم
نولتی را بمشبه سیاست
رسی در عمل پیاده میسازد.
اداره ریکن با ایجاد وضع
متشنع در امریکای مرکزی و
استفاده از همه وسایل
منجمله اعمال فشار اقتصادی،
سیاسی، دیپلوما تیک، براه
انداختن ما تور های تحریک
آزمین نظامی و گسترش ابعاد
جنگ روانی بطر مذبو حانه
میکوشد تا خلق نیکا راگوا

را از راه بر گزیده شان
محروم و انقلاب مردمی و
سا ند یستی نیکاراگوا را به
شکست موا جبه سازد، ولی
خلق رز منده نیکا راگوا با
الهام از میا رزات آزادی
خوا نه نیا کان خوشی در
تحت رهبری شخصیت انقلابی
بر جسته فو گوستو سزار
ساندینو و اندیشه هیتلر
سترگ وی مصمصا نه بلور
پیشا هنگ نبرد از مسوده
سیاسی شان ، یعنی جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا، گرد آمده و
قا طمانه از انقلاب و دست-
آورد های آن دفاع مینمایند.
کار نامه میا رزات قهر مانانه
کار لو س فونسیکا اما دور
انقلابی و صلح دوست
جمهوری دمو کرا تیک افغان-
ستان بهترین تبریکات
رفیقا نه و تمینات خوشا
بنیایست بزرگداشت از ۲۵
مین سا لگرد تا' سیس جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا به شما رفیق
گرامی و از طریق شما بهمه
اعضای جبهه سا ند یست
برای آزادی ملی و مردم
قهر مان رز منده نیکا راگوا
اېراز نام .

۲۵ مین سال تا سیس جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا و یاد بود ازدهمین
سا لگرد شهادت کار لو س-
فونسیکا اما دور مو سس آن
جبهه بازمی مقارن است
که اوضاع بین المللی در نتیجه
سیاست نظامی گرانده و
ما جراجو یا نه ایا لات متحده
امریکا و سایر کشورهای
عضو ناتو به وخامت پیسابقه
گرا تیک و صلح و امنیت
بین المللی بمخاطره جدی
مواجهه شده است .
امیر یا لیزم ایا لات متحده
امریکا با تسریع لگام گسیخته
و کشایند آن به فضای خارجی
مشی مقابل جوی راتشیدیه
نموده و با تعقیب سیاست
نیو گلوبلیزم که تسلط و
تشدید جنگهای اعلام نشده
علیه جمهوری دمو کرا تیک
افغانستان و نیکا راگوا
انقلابی از مظلوم بارز آن
است، سیاست ترو دریزم
نولتی را بمشبه سیاست
رسی در عمل پیاده میسازد.
اداره ریکن با ایجاد وضع
متشنع در امریکای مرکزی و
استفاده از همه وسایل
منجمله اعمال فشار اقتصادی،
سیاسی، دیپلوما تیک، براه
انداختن ما تور های تحریک
آزمین نظامی و گسترش ابعاد
جنگ روانی بطر مذبو حانه
میکوشد تا خلق نیکا راگوا

را از راه بر گزیده شان
محروم و انقلاب مردمی و
سا ند یستی نیکاراگوا را به
شکست موا جبه سازد، ولی
خلق رز منده نیکا راگوا با
الهام از میا رزات آزادی
خوا نه نیا کان خوشی در
تحت رهبری شخصیت انقلابی
بر جسته فو گوستو سزار
ساندینو و اندیشه هیتلر
سترگ وی مصمصا نه بلور
پیشا هنگ نبرد از مسوده
سیاسی شان ، یعنی جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا، گرد آمده و
قا طمانه از انقلاب و دست-
آورد های آن دفاع مینمایند.
کار نامه میا رزات قهر مانانه
کار لو س فونسیکا اما دور
انقلابی و صلح دوست
جمهوری دمو کرا تیک افغان-
ستان بهترین تبریکات
رفیقا نه و تمینات خوشا
بنیایست بزرگداشت از ۲۵
مین سا لگرد تا' سیس جبهه
سا ند یست برای آزادی ملی
نیکا راگوا به شما رفیق
گرامی و از طریق شما بهمه
اعضای جبهه سا ند یست
برای آزادی ملی و مردم
قهر مان رز منده نیکا راگوا
اېراز نام .

نجم منشی عمو می کیمه مر کزی حزب
دمو کرا تیک خلق افغانستان .

بازگشت به وطن

رفیق نیاز محمد مو مند
منشی کیمه مر کزی حزب
دمو کرا تیک خلق افغانستان
پس از یک باز دید دوستانه تیک خلق افغانستان ، رفیق
از کشور دو ست اتحاد
شوروی و اشتراک در
کنفرانس منطقه کار گرو جهان
معاصر متعنه مسکو درواز
انکسور بوطن باز گشت .
کردند .

آماده گی برای دور بعدی مذاکرات

رفیق شاه محمد دو ست
وزیر امور خارجه که درواش
یک هیات جهت اشتراک در
مباحثات چهل و یکمین اجلاس
مجمع عمو می ملل متحد به
نیو یارک رفته بود، دیروز
خبر نگار آژانس اطلاعاتی
با ختر گفت: در جر پان اقل-
ت خویش در نیو یارک با
مذاکرات بزرگ دو کولبار سر -
منشی ملل متحد و دیگر کو-
رد و وزیر معاون و نماینده سر-
منشی ملل متحد نیز ملاقات
نموده و پیرامون مسائل
مر بوط به آمادگی برای دور

رفیق من اول

ها به پا نین میا مد . ار که
تمام آنشب را د ویده بنود،
تا گاه در برابر درختی
ایستاده و چشم به آسمان
دوخته پشتش را به آن درخت
غلاب را تحمل کند. این حال
رفت ... گذشته های زندگی
او چنین آغاز میشد: دین -
محمد آن کودک دوازده ساله
همراه با قدم های پدر گام می
گذاشت و چوب قلیه در
دست دل زمین را شخم می-
زد. (۱۳۴۳) روز به نیمه
رسید و گرمای آفتاب بسا-
شدت کار حد ست میشد و
نااتاش میکرد. به پدرنگامی
دوخت . بر جا خشک مانده
پدرش را میخاید که از حال
میرو. سینه اش را بیاد می
آورد: ((بچم، امروز مثل
اینکه آخرین روز عمرم باشم
قوت اینرا ندارم که روی
زمین ها بروم. یا های حرکت
نذارم))
به زمین خورد. او به عجله
نزدیک رفت. دید بی حال
است. چشمهای او به مشکل
باز میشد. کلمات را کنده
کنده وبه سختی اداء میکرد.
پدر آب خواسته
و او شتابان آب آورده بود.
سر پدر را روی زانو نهاده
بود جام آب بر دست های
پسر بود و پدر نمی توانست
آب بنوشد. دیگر هرگز
نمی توانست آب بنوشد.
نیمه محبه به گر به افتاده
بود. خود را تنها احساس می-
کرد. یگانا نه امید زندگی
خود را دیده بود که آخرین
دقایق عمرش به پایانی
رسید. اشک از دیدگان پدر
در زمین افتاده بود. و او با
برادران کوچک و مادرش تنها
و سو گوار شده اند.
روزی دیگر جنازه ولی محمد
دوش دهقانان قر به
بسی گورستان در حرکت
بود و دین محمد نیز در پی
آنان ، اشک ریزان راه میزد
در خوابگاه ابدی با پدر و
گفت و دو پاره راه خانه را
در پیش گرفت. نزدیک در،
مادر ما تم زده اش را فریاد
کنان در آغوش گرفت. در
همان روز بخود آمد و دانست
که بعد از مرگ پدر چه
وظایفی بزرگی بر شانه های
او گذاشته شده است . او
دیگر یگانا نه وارث خانواده بود
دست بر روی مادر بسرد و
اشک از رخسار او پاک کرد.
دین محمد بعد از آن آن آور
خاکواره شد تا نگاردر برادران
و مادرش از گرسنگی بمیرند
صبیگاهان تنگانی کار و شغلی
زمین را در آغوش میکشید
به مزه می شتا فت. دست
های مادر به صبح به دعا
بلند میشد و برای پسرش
آرزوی سعادت میکرد. دین-
محمد در کار طاقت فرسا
بالای زمین نه گشیدو قات
آرا ست ، سخن و تسلیم
نا به بری آموخت.
یکروز که دین محمد با لای
بلوانی نقشسته بود صحبت
عده ای از جوانان قر به او
را بخود مشغول ساخت .
هر فهای آنها به دلش جنگ
می زدند و گویی همه راز های
دل او را می گویند .
(بعد هر شب سیاه صبح
روشن است. ظلم را بقا. نی
نیست و طالمانا بود می
شوند .)) با شنیدن این
خبرها ناگهان دوست محمد،
نظر محمد، امان و حبیب اله
ستمگران قر به اش (قر به
ده ذکر یا لسوالی گرسیر
ولایت هلمند) در برابر
چشم نش قرار گرفتند .
دین محمد بخاطر می آورد که
دین سم اسب های ستمگران
چندین بار دهقانان قر به را
دیده بود که لگد مال شده و
خانواده های شان آنها را با

تن های خو نین با خود برده
پروند . ظنین صدای معلسم
حبیب آن جوان صمیمی که از
جمله مردان صاحب احترام
قر به بحساب می آمدند و
سجایای پسندیده اش
پیوسته تحسین او را بر می
انگیزت ، سلسله تفکراتش
را از هم گسست . او آمده
بود تا احوال دین محمد را
بپرسد . وقتی او سخن می
گفت دین محمد با اشتیاق
سخنان او را می شنید. طرز
ادای کلمات، ساده گی بیان
حبیب الله او را همیشه
مجبوب می ساخت . در
سخنانش نیروی رامیدید که
توانائی بزرگی را در او
بیدار میساخت . این بسار
حبیب الله بر حرارت ترسخن
می گفت : ((ما همه نیروی
آترا داریم که بر علیه ستمگران
جنگیم، ولی برای اینکه
پیروزشویم باید یکی شویم...
آندو پس از گفتگو های
زیاد صمیمانه از هم جدا
شدند و دین محمد با انبوه
از خیال ها و تفکرات راه خانه
را در پیش گرفت. دیگر
تصمیمش را گرفته بود . از
آن زمان به بعد گام هایش را
با راهیان مردم یکی ساخت
و همراه او شد و ش آنها
استوارانه به پیش رفت .
استعداد دهقان جوان در

نخست ها، رفقایش را به
حریت وامیداشت و پس از
ملت گروانی شهرت و آوازه
او همه گیر شد. طالمانی
توانستند به سیاسی برغور
ومردان او ببینند. همیشه به
این ر د شجاع می دیدند
لرزه بر اندام می گرفتند ،
به ترس می افتادند و از
خوف بیداری دهقانان قر به
در بی تو طه بر آمدند تا
او را از سر راه خود دور
سازند ...
شب برقر به فرود آمده و
ستاره گان چشمک زنان در
آسمان میروخشیدند . پلوی
سکان سکوت شب را بر هم
میزد. دین محمد خسته از کار
طاقت فرسایک و تنهاسا
اسباب کار به شانه کرده
جانب خانه روانه شد که چه
ها و پس کو چه با یکی
دیگر پشت سر می گذاشت،
چراغ تیلی در دستش می
حبیب اطراف او را روشنایی
می بخشید در نزدیکی های
خانه بر جایش خشک مانده.
برادران کو چکش را دید که
در جنگال پولیس افتاده
و زیر مشت و لگد آنان ناله و
فریاد می کردند . با درش
گریه و زاری سر داده بود .
چند مرد مسلح دیگر خانه را
بهمه صره گرفته بودند .
دین محمد گونی وزن سنگینی
را بر فرقی گو پیده پا شدند.
چشمپایش سیا می کرده و
چراغ در دستش بزمین افتاد
خود را شتابان نزد یک
برادرانش رسانید . صدائی
بلند شد : ((خودش آمد))
جلادان گونی صید تازه و
گرانهای بی به جنگ آورده
پا شدند، یکباره سر او ریختند
لحظه بعد او را اولجک و زولانه
بدرست کشان کشان
به زندان بردند . صبح همان
روز باز همان مردان مسلح
آمده او را برای تحقیقات
بردند . در اتاقی داخل
شدند که مرد قوی هیکلی
عقب میز نقشسته و چند دیگر
هم طرازو با شکم های بلند
آمده کنار او قرار داشتند.
مرد نقشسته نگاه های خشم
آلود به دین محمد انداخته
غرغرکنان بانک بر آورد :
(شما در چه خواب و خیال
هستید. ایامینو نید در برابر
نیروی بزرگی که همه چیز
دارد بجنبید ؟)) دین محمد که
دیگر از هیچ چیز در هراس
نبود با آواز بلند گفت :

((شما همه چیز دارید ،
ولی مردم را با خود ندارید
همین مردم است که شما را
تا بود میکنند.)) مرد قوی
هیکل با شنیدن آواز او به
خشم آمده، مشت محکمی بر
میزمقا بلش کوبیده و به
آنها نیکه پهلویش قرار
داشتند، اشاره کرد : آنها
بلا درنگ بالای دین محمد
ریختند . ضربات مشت و
لگد آغاز شد. اتاق دور سر
محمدمی چرخید ،
ضربات را پایانی نبود و
در چنین وضعی زندانی از
حال رفت. وقتی چشمش نش
را گشود در سلول قرارداشت
به لباس های پاره و تن زخمی
اش نظر انداخت. درد جان
سوزی در وجود خود احساس
میکرد .
وقتی بحال آمد همان مردان
مسلح را، بالای سرش دید.
اشاره کنان میخواستند از
جایش بلند شود ، ولی او
تاب بر پا ستند نداشت
دست های او را گرفتند و باز
در همان اتاق نزد همان مرد
چاق بردند .
دین محمد او را تنها یافت.
در مردان دیگر خبری نبود.
با راهیان مردم یکی ساخت
فکر کرد شکنجه بیا یسان
و همراه او شد و ش آنها
استوارانه به پیش رفت .
استعداد دهقان جوان در

نخست ها، رفقایش را به
حریت وامیداشت و پس از
ملت گروانی شهرت و آوازه
او همه گیر شد. طالمانی
توانستند به سیاسی برغور
ومردان او ببینند. همیشه به
این ر د شجاع می دیدند
لرزه بر اندام می گرفتند ،
به ترس می افتادند و از
خوف بیداری دهقانان قر به
در بی تو طه بر آمدند تا
او را از سر راه خود دور
سازند ...
شب برقر به فرود آمده و
ستاره گان چشمک زنان در
آسمان میروخشیدند . پلوی
سکان سکوت شب را بر هم
میزد. دین محمد خسته از کار
طاقت فرسایک و تنهاسا
اسباب کار به شانه کرده
جانب خانه روانه شد که چه
ها و پس کو چه با یکی
دیگر پشت سر می گذاشت،
چراغ تیلی در دستش می
حبیب اطراف او را روشنایی
می بخشید در نزدیکی های
خانه بر جایش خشک مانده.
برادران کو چکش را دید که
در جنگال پولیس افتاده
و زیر مشت و لگد آنان ناله و
فریاد می کردند . با درش
گریه و زاری سر داده بود .
چند مرد مسلح دیگر خانه را
بهمه صره گرفته بودند .
دین محمد گونی وزن سنگینی
را بر فرقی گو پیده پا شدند.
چشمپایش سیا می کرده و
چراغ در دستش بزمین افتاد
خود را شتابان نزد یک
برادرانش رسانید . صدائی
بلند شد : ((خودش آمد))
جلادان گونی صید تازه و
گرانهای بی به جنگ آورده
پا شدند، یکباره سر او ریختند
لحظه بعد او را اولجک و زولانه
بدرست کشان کشان
به زندان بردند . صبح همان
روز باز همان مردان مسلح
آمده او را برای تحقیقات
بردند . در اتاقی داخل
شدند که مرد قوی هیکلی
عقب میز نقشسته و چند دیگر
هم طرازو با شکم های بلند
آمده کنار او قرار داشتند.
مرد نقشسته نگاه های خشم
آلود به دین محمد انداخته
غرغرکنان بانک بر آورد :
(شما در چه خواب و خیال
هستید. ایامینو نید در برابر
نیروی بزرگی که همه چیز
دارد بجنبید ؟)) دین محمد که
دیگر از هیچ چیز در هراس
نبود با آواز بلند گفت :

((شما همه چیز دارید ،
ولی مردم را با خود ندارید
همین مردم است که شما را
تا بود میکنند.)) مرد قوی
هیکل با شنیدن آواز او به
خشم آمده، مشت محکمی بر
میزمقا بلش کوبیده و به
آنها نیکه پهلویش قرار
داشتند، اشاره کرد : آنها
بلا درنگ بالای دین محمد
ریختند . ضربات مشت و
لگد آغاز شد. اتاق دور سر
محمدمی چرخید ،
ضربات را پایانی نبود و
در چنین وضعی زندانی از
حال رفت. وقتی چشمش نش
را گشود در سلول قرارداشت
به لباس های پاره و تن زخمی
اش نظر انداخت. درد جان
سوزی در وجود خود احساس
میکرد .
وقتی بحال آمد همان مردان
مسلح را، بالای سرش دید.
اشاره کنان میخواستند از
جایش بلند شود ، ولی او
تاب بر پا ستند نداشت
دست های او را گرفتند و باز
در همان اتاق نزد همان مرد
چاق بردند .
دین محمد او را تنها یافت.
در مردان دیگر خبری نبود.
با راهیان مردم یکی ساخت
فکر کرد شکنجه بیا یسان
و همراه او شد و ش آنها
استوارانه به پیش رفت .
استعداد دهقان جوان در

نخست ها، رفقایش را به
حریت وامیداشت و پس از
ملت گروانی شهرت و آوازه
او همه گیر شد. طالمانی
توانستند به سیاسی برغور
ومردان او ببینند. همیشه به
این ر د شجاع می دیدند
لرزه بر اندام می گرفتند ،
به ترس می افتادند و از
خوف بیداری دهقانان قر به
در بی تو طه بر آمدند تا
او را از سر راه خود دور
سازند ...
شب برقر به فرود آمده و
ستاره گان چشمک زنان در
آسمان میروخشیدند . پلوی
سکان سکوت شب را بر هم
میزد. دین محمد خسته از کار
طاقت فرسایک و تنهاسا
اسباب کار به شانه کرده
جانب خانه روانه شد که چه
ها و پس کو چه با یکی
دیگر پشت سر می گذاشت،
چراغ تیلی در دستش می
حبیب اطراف او را روشنایی
می بخشید در نزدیکی های
خانه بر جایش خشک مانده.
برادران کو چکش را دید که
در جنگال پولیس افتاده
و زیر مشت و لگد آنان ناله و
فریاد می کردند . با درش
گریه و زاری سر داده بود .
چند مرد مسلح دیگر خانه را
بهمه صره گرفته بودند .
دین محمد گونی وزن سنگینی
را بر فرقی گو پیده پا شدند.
چشمپایش سیا می کرده و
چراغ در دستش بزمین افتاد
خود را شتابان نزد یک
برادرانش رسانید . صدائی
بلند شد : ((خودش آمد))
جلادان گونی صید تازه و
گرانهای بی به جنگ آورده
پا شدند، یکباره سر او ریختند
لحظه بعد او را اولجک و زولانه
بدرست کشان کشان
به زندان بردند . صبح همان
روز باز همان مردان مسلح
آمده او را برای تحقیقات
بردند . در اتاقی داخل
شدند که مرد قوی هیکلی
عقب میز نقشسته و چند دیگر
هم طرازو با شکم های بلند
آمده کنار او قرار داشتند.
مرد نقشسته نگاه های خشم
آلود به دین محمد انداخته
غرغرکنان بانک بر آورد :
(شما در چه خواب و خیال
هستید. ایامینو نید در برابر
نیروی بزرگی که همه چیز
دارد بجنبید ؟)) دین محمد که
دیگر از هیچ چیز در هراس
نبود با آواز بلند گفت :

((شما همه چیز دارید ،
ولی مردم را با خود ندارید
همین مردم است که شما را
تا بود میکنند.)) مرد قوی
هیکل با شنیدن آواز او به
خشم آمده، مشت محکمی بر
میزمقا بلش کوبیده و به
آنها نیکه پهلویش قرار
داشتند، اشاره کرد : آنها
بلا درنگ بالای دین محمد
ریختند . ضربات مشت و
لگد آغاز شد. اتاق دور سر
محمدمی چرخید ،
ضربات را پایانی نبود و
در چنین وضعی زندانی از
حال رفت. وقتی چشمش نش
را گشود در سلول قرارداشت
به لباس های پاره و تن زخمی
اش نظر انداخت. درد جان
سوزی در وجود خود احساس
میکرد .
وقتی بحال آمد همان مردان
مسلح را، بالای سرش دید.
اشاره کنان میخواستند از
جایش بلند شود ، ولی او
تاب بر پا ستند نداشت
دست های او را گرفتند و باز
در همان اتاق نزد همان مرد
چاق بردند .
دین محمد او را تنها یافت.
در مردان دیگر خبری نبود.
با راهیان مردم یکی ساخت
فکر کرد شکنجه بیا یسان
و همراه او شد و ش آنها
استوارانه به پیش رفت .
استعداد دهقان جوان در

حقیقت انقلاب نور

ادامه میدادند .
صبیگاهان نوقتی دین محمد
از خواب بر میخاست لباس
های خود را تنامی دید
هیكل با شنیدن آواز او به
خشم آمده، مشت محکمی بر
میزمقا بلش کوبیده و به
آنها نیکه پهلویش قرار
داشتند، اشاره کرد : آنها
بلا درنگ بالای دین محمد
ریختند . ضربات مشت و
لگد آغاز شد. اتاق دور سر
محمدمی چرخید ،
ضربات را پایانی نبود و
در چنین وضعی زندانی از
حال رفت. وقتی چشمش نش
را گشود در سلول قرارداشت
به لباس های پاره و تن زخمی
اش نظر انداخت. درد جان
سوزی در وجود خود احساس
میکرد .
وقتی بحال آمد همان مردان
مسلح را، بالای سرش دید.
اشاره کنان میخواستند از
جایش بلند شود ، ولی او
تاب بر پا ستند نداشت
دست های او را گرفتند و باز
در همان اتاق نزد همان مرد
چاق بردند .
دین محمد او را تنها یافت.
در مردان دیگر خبری نبود.
با راهیان مردم یکی ساخت
فکر کرد شکنجه بیا یسان
و همراه او شد و ش آنها
استوارانه به پیش رفت .
استعداد دهقان جوان در

نخست ها، رفقایش را به
حریت وامیداشت و پس از
ملت گروانی شهرت و آوازه
او همه گیر شد. طالمانی
توانستند به سیاسی برغور
ومردان او ببینند. همیشه به
این ر د شجاع می دیدند
لرزه بر اندام می گرفتند ،
به ترس می افتادند و از
خوف بیداری دهقانان قر به
در بی تو طه بر آمدند تا
او را از سر راه خود دور
سازند ...
شب برقر به فرود آمده و
ستاره گان چشمک زنان در
آسمان میروخشیدند . پلوی
سکان سکوت شب را بر هم
میزد. دین محمد خسته از کار
طاقت فرسایک و تنهاسا
اسباب کار به شانه کرده
جانب خانه روانه شد که چه
ها و پس کو چه با یکی
دیگر پشت سر می گذاشت،
چراغ تیلی در دستش می
حبیب اطراف او را روشنایی
می بخشید در نزدیکی های
خانه بر جایش خشک مانده.
برادران کو چکش را دید که
در جنگال پولیس افتاده
و زیر مشت و لگد آنان ناله و
فریاد می کردند . با درش
گریه و زاری سر داده بود .
چند مرد مسلح دیگر خانه را
بهمه صره گرفته بودند .
دین محمد گونی وزن سنگینی
را بر فرقی گو پیده پا شدند.
چشمپایش سیا می کرده و
چراغ در دستش بزمین افتاد
خود را شتابان نزد یک
برادرانش رسانید . صدائی
بلند شد : ((خودش آمد))
جلادان گونی صید تازه و
گرانهای بی به جنگ آورده
پا شدند، یکباره سر او ریختند
لحظه بعد او را اولجک و زولانه
بدرست کشان کشان
به زندان بردند . صبح همان
روز باز همان مردان مسلح
آمده او را برای تحقیقات
بردند . در اتاقی داخل
شدند که مرد قوی هیکلی
عقب میز نقشسته و چند دیگر
هم طرازو با شکم های بلند
آمده کنار او قرار داشتند.
مرد نقشسته نگاه های خشم
آلود به دین محمد انداخته
غرغرکنان بانک بر آورد :
(شما در چه خواب و خیال
هستید. ایامینو نید در برابر
نیروی بزرگی که همه چیز
دارد بجنبید ؟)) دین محمد که
دیگر از هیچ چیز در هراس
نبود با آواز بلند گفت :

((شما همه چیز دارید ،
ولی مردم را با خود ندارید
همین مردم است که شما را
تا بود میکنند.)) مرد قوی
هیکل با شنیدن آواز او به
خشم آمده، مشت محکمی بر
میزمقا بلش کوبیده و به
آنها نیکه پهلویش قرار
داشتند، اشاره کرد : آنها
بلا درنگ بالای دین محمد
ریختند . ضربات مشت و
لگد آغاز شد. اتاق دور سر
محمدمی چرخید ،
ضربات را پایانی نبود و
در چنین وضعی زندانی از
حال رفت. وقتی چشمش نش
را گشود در سلول قرارداشت
به لباس های پاره و تن زخمی
اش نظر انداخت. درد جان
سوزی در وجود خود احساس
میکرد .
وقتی بحال آمد همان مردان
مسلح را، بالای سرش دید.
اشاره کنان میخواستند از
جایش بلند شود ، ولی او
تاب بر پا ستند نداشت
دست های او را گرفتند و باز
در همان اتاق نزد همان مرد
چاق بردند .
دین محمد او را تنها یافت.
در مردان دیگر خبری نبود.
با راهیان مردم یکی ساخت
فکر کرد شکنجه بیا یسان
و همراه او شد و ش آنها
استوارانه به پیش رفت .
استعداد دهقان جوان در

نخست ها، رفقایش را به
حریت وامیداشت و پس از
ملت گروانی شهرت و آوازه
او همه گیر شد. طالمانی
توانستند به سیاسی برغور
ومردان او ببینند. همیشه به
این ر د شجاع می دیدند
لرزه بر اندام می گرفتند ،
به ترس می افتادند و از
خوف بیداری دهقانان قر به
در بی تو طه بر آمدند تا
او را از سر راه خود دور
سازند ...
شب برقر به فرود آمده و
ستاره گان چشمک زنان در
آسمان میروخشیدند . پلوی
سکان سکوت شب را بر هم
میزد. دین محمد خسته از کار
طاقت فرسایک و تنهاسا
اسباب کار به شانه کرده
جانب خانه روانه شد که چه
ها و پس کو چه با یکی
دیگر پشت سر می گذاشت،
چراغ تیلی در دستش می
حبیب اطراف او را روشنایی
می بخشید در نزدیکی های
خانه بر جایش خشک مانده.
برادران کو چکش را دید که
در جنگال پولیس افتاده
و زیر مشت و لگد آنان ناله و
فریاد می کردند . با درش
گریه و زاری سر داده بود .
چند مرد مسلح دیگر خانه را
بهمه صره گرفته بودند .
دین محمد گونی وزن سنگینی
را بر فرقی گو پیده پا شدند.
چشمپایش سیا می کرده و
چراغ در دستش بزمین افتاد
خود را شتابان نزد یک
برادرانش رسانید . صدائی
بلند شد : ((خودش آمد))
جلادان گونی صید تازه و
گرانهای بی به جنگ آورده
پا شدند، یکباره سر او ریختند
لحظه بعد او را اولجک و زولانه
بدرست کشان کشان
به زندان بردند . صبح همان
روز باز همان مردان مسلح
آمده او را برای تحقیقات
بردند . در اتاقی داخل
شدند که مرد قوی هیکلی
عقب میز نقشسته و چند دیگر
هم طرازو با شکم های بلند
آمده کنار او قرار داشتند.
مرد نقشسته نگاه های خشم
آلود به دین محمد انداخته
غرغرکنان بانک بر آورد :
(شما در چه خواب و خیال
هستید. ایامینو نید در برابر
نیروی بزرگی که همه چیز
دارد بجنبید ؟)) دین محمد که
دیگر از هیچ چیز در هراس
نبود با آواز بلند گفت :

((شما همه چیز دارید ،
ولی مردم را با خود ندارید
همین مردم است که شما را
تا بود میکنند.)) مرد قوی
هیکل با شنیدن آواز او به
خشم آمده، مشت محکمی بر
میزمقا بلش کوبیده و به
آنها نیکه پهلویش قرار
داشتند، اشاره کرد : آنها
بلا درنگ بالای دین محمد
ریختند . ضربات مشت و
لگد آغاز شد. اتاق دور سر
محمدمی چرخید ،
ضربات را پایانی نبود و
در چنین وضعی زندانی از
حال رفت. وقتی چشمش نش
را گشود در سلول قرارداشت
به لباس های پاره و تن زخمی
اش نظر انداخت. درد جان
سوزی در وجود خود احساس
میکرد .
وقتی بحال آمد همان مردان
مسلح را، بالای سرش دید.
اشاره کنان میخواستند از
جایش بلند شود ، ولی او
تاب بر پا ستند نداشت
دست های او را گرفتند و باز
در همان اتاق نزد همان مرد
چاق بردند .
دین محمد او را تنها یافت.
در مردان دیگر خبری نبود.
با راهیان مردم یکی ساخت
فکر کرد شکنجه بیا یسان
و همراه او شد و ش آنها
استوارانه به پیش رفت .
استعداد دهقان جوان در

نخست ها، رفقایش را به
حریت وامیداشت و پس از
ملت گروانی شهرت و آوازه
او همه گیر شد. طالمانی
توانستند به سیاسی برغور
ومردان او ببینند. همیشه به
این ر د شجاع می دیدند
لرزه بر اندام می گرفتند ،
به ترس می افتادند و از
خوف بیداری دهقانان قر به
در بی تو طه بر آمدند تا
او را از سر راه خود دور
سازند ...
شب برقر به فرود آمده و
ستاره گان چشمک زنان در
آسمان میروخشیدند . پلوی
سکان سکوت شب را بر هم
میزد. دین محمد خسته از کار
طاقت فرسایک و تنهاسا
اسباب کار به شانه کرده
جانب خانه روانه شد که چه
ها و پس کو چه با یکی
دیگر پشت سر می گذاشت،
چراغ تیلی در دستش می
حبیب اطراف او را روشنایی
می بخشید در نزدیکی های
خانه بر جایش خشک مانده.
برادران کو چکش را دید که
در جنگال پولیس افتاده
و زیر مشت و لگد آنان ناله و
فریاد می کردند . با درش
گریه و زاری سر داده بود .
چند مرد مسلح دیگر خانه را
بهمه صره گرفته بودند .
دین محمد گونی وزن سنگینی
را بر فرقی گو پیده پا شدند.
چشمپایش سیا می کرده و
چراغ در دستش بزمین افتاد
خود را شتابان نزد یک
برادرانش رسانید . صدائی
بلند شد : ((خودش آمد))
جلادان گونی صید تازه و
گرانهای بی به جنگ آورده
پا شدند، یکباره سر او ریختند
لحظه بعد او را اولجک و زولانه
بدرست کشان کشان
به زندان بردند . صبح همان
روز باز همان مردان مسلح
آمده او را برای تحقیقات
بردند . در اتاقی داخل
شدند که مرد قوی هیکلی
عقب میز نقشسته و چند دیگر
هم طرازو با شکم های بلند
آمده کنار او قرار داشتند.
مرد نقشسته نگاه های خشم
آلود به دین محمد انداخته
غرغرکنان بانک بر آورد :
(شما در چه خواب و خیال
هستید. ایامینو نید در برابر
نیروی بزرگی که همه چیز
دارد بجنبید ؟)) دین محمد که
دیگر از هیچ چیز در هراس
نبود با آواز بلند گفت :

((شما همه چیز دارید ،
ولی مردم را با خود ندارید
همین مردم است که شما را
تا بود میکنند.)) مرد قوی
هیکل با شنیدن آواز او به
خشم آمده، مشت محکمی بر
میزمقا بلش کوبیده و به
آنها نیکه پهلویش قرار
داشتند، اشاره کرد : آنها
بلا درنگ بالای دین محمد
ریختند . ضربات مشت و
لگد آغاز شد. اتاق دور سر
محمدمی چرخید ،
ضربات را پایانی نبود و
در چنین وضعی زندانی از
حال رفت. وقتی چشمش نش
را گشود در سلول قرارداشت
به لباس های پاره و تن زخمی
اش نظر انداخت. درد جان
سوزی در وجود خود احساس
میکرد .
وقتی بحال آمد همان مردان
مسلح را، بالای سرش دید.
اشاره کنان میخواستند از
جایش بلند شود ، ولی او
تاب بر پا ستند نداشت
دست های او را گرفتند و باز
در همان اتاق نزد همان مرد
چاق بردند .
دین محمد او را تنها یافت.
در مردان دیگر خبری نبود.
با راهیان مردم یکی ساخت
فکر کرد شکنجه بیا یسان
و همراه او شد و ش آنها
استوارانه به پیش رفت .
استعداد دهقان جوان در

نخست ها، رفقایش را به
حریت وامیداشت و پس از
ملت گروانی شهرت و آوازه
او همه گیر شد. طالمانی
توانستند به سیاسی برغور
ومردان او ببینند. همیشه به
این ر د شجاع می دیدند
لرزه بر اندام می گرفتند ،
به ترس می افتادند و از
خوف بیداری دهقانان قر به
در بی تو طه بر آمدند تا
او را از سر راه خود دور
سازند ...
شب برقر به فرود آمده و
ستاره گان چشمک زنان در
آسمان میروخشیدند . پلوی
سکان سکوت شب را بر هم
میزد. دین محمد خسته از کار
طاقت فرسایک و تنهاسا
اسباب کار به شانه کرده
جانب خانه روانه شد که چه
ها و پس کو چه با یکی
دیگر پشت سر می گذاشت،
چ

تحت درفش وحدت و همبستگی

در یک سنگر مبارزه

محترم ملک سلیم خان ن سالارزی از چار هنگ باجوړ ایجنسی دیاسخ به پرسشی چنین مند کر گردید:

ما قبایل آزاد که بابرادران افغانی خویش روابط عمیق، ملی، مذهبی و افتخارات مشترک تاریخی داریم، هیچ نیروی اهریمنی و استعماری نمیتواند ما را از هم جدا سازند.

زیرا قبایل آزاد خود را در غم و شادی برادران افغانی خویش مشترک میدانند. همیشه در شرایط حساس و دشوار با هم جرگه کردیم و در برابر دشمنان وطن، افتخارات و نوا میسای ملی خویش در یک سنگر رزمیده و میرویم.

بناسی از تصامیم و فیصله های جرگه عالی قبایل و جرگه قبایل آزاد ما باشندگان باجوړ ایجنسی

بساتد و بر جرگه های بزرگ قومی فیصله نمودیم که باید مناطق خویش را از وجود عناصر ضد انقلاب افغانی پاک سازیم. مداخلات و تجاوزات رژیم مستبد پاکستان را بکلی قطع سازیم.

وی گفت: اکثریت از فریب خورده گان و فراریان افغانی در کمپ ها و مخیمه هاییکه در تابستان گرم و در زمستان یخچال، در پاکستان در شرایط فلاکتی به سمری برند، همیشه می اندیشند که چه وقت به کشور و خانه های خویش عودت خواهند نمود.

ولی جنرالان پاکستانی و سر...

وی علاوه کرد: امروز تمام قبایل آزاد بیش از هر وقت دیگر در برابر جنایات اشرار افغانی و مظلوم رژیم مستبد پاکستان متحد و یکپارچه شده و روز بروز خشم و اعتراض شان علیه این جانیان اوج میگیرد.

ساحبه گنده: صادق

تدویر جرگه وسیع قومی

قبایل آزاد را به تخته خیز علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان مبدل ساختند و در مقابل انقلاب ثور سنگ اندازی نمایند که اقدامات جنایتکارانه آنها زندگی صلح آمیز مردم قبایل آزاد را به مخاطرانده خته است.

در این جرگه بزرگ قومی که اخیراً از طرف مردم با شهادت قوم سیمین خیل مسکد در منطقه تحصیل بیازه وزیر ستان جنوبی تصویر یافته بود، ملک گلبدین محمد خان، ملک انان خان و عده دیگر از سران و مشران آن قوم شرکت ورزیده بودند.

سخنرانان این جرگه در رابطه به سیاست خصمانه رژیم جبرال ضیاء در مقابل جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم غیور قبایل آزاد صحبت نمود، تأکید ورزیدند که حکومت پاکستان ضد انقلاب افغانی را در مناطق قبایل آزاد جا داده و به این وسیله میخواد از یکطرف جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان را ادامه داده و رضایت بادران امریکایی را حاصل نماید و از سوی دیگر احساسات آزادیخواه هان مردم دلیز قبایل آزاد را سرکوب کند.

همچنان طی جرگه تذکر داده شد که حکمرانان سفاک پاکستانی میکوشند تا مناطق

شده و هر چه زودتر جلو جتایات ضد انقلاب گرفته شود. همچنان دولت پاکستان مدخلات مفرضانه و بیشتر ما نه غویش را در اهرام و داخلي جمهوری دموکراتیک افغانستان و قبایل آزاد قطع نماید، در غیر آن مردم قبایل آزاد دست به اقدامات جدی زده و حقوق حقه شان را به زور اسلحه بدست خواهند آورد.

این جرگه وسیع قومی با شعار مردم افغانستان انقلابی و قبایل آزاد با هم برادر اند و هیچ نیروی اهریمنی آنها را از هم جدا ساخته نمیتواند، خانه یافت.

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

تدویر کنفرانس کشورهای عضو کومیکان

(بقیه می اول)

حزب کوم نیست و بنام رئیس شورای دولتی ویتنام، رفیق اریش هو نیکر منشی عمو می کیمه مرکزی حزب سوسیالیست متحده المان و رئیس شورای دولتی، جمهوری دموکراتیک ویتنام، رفیق کاسیو کاسیو منشی اول کیمه مرکزی حزب کمونیست کوبا و رئیس شورای دولتی و شورای وزیران کوبا، رفیق جاسین با تونگ منشی عمو می کیمه مرکزی حزب انقلابی مردم مفلستان و صدر هیات رئیس خورال گیر مفلستان، جمهوری چک و سلواکیا، یاقوت

اعتصاب دوامدار

دولت خود کامه، پاکستان با تعقیب سیاست نظامیگرانه بدون در نظر داشت رضایت مردم به تخریب خانه های مسکونی و دکانها پرداخته که این عمل باعث خشم مردم گردیده است.

گزارش های رسیده به آژانس اطلاعاتی باختر حاکیست که از طرف عوامی نشنل پارتنی در مرغوز تحصیل صوابی سازمان داده شده، بود، اعمال جنایتکارانه امپریالیزم امریکا و دولت مستبدادی پاکستان علیه قبایل آزاد و مردم زحمتکش پاکستان شدیداً محکوم گردید.

در این گرد همایی بزرگ که هزاران اشتراک داشتند، عبدالولی خان رئیس عوامی نشنل پارتنی بیانیه همه جانبه ایراد نموده سیاست امپریالیزم امریکا و رژیم ظالم پاکستان را در برابر اقوام و ملیتهای مختلف آنکشور به خصوص مردم صوابی تقیب نمود.

گزارش می افزاید: اشتراک کنندگان گرد همایی همبستگی شانرا با انقلاب ملی و دموکراتیک شور ابراز داشته و تاضا بعمل آوردند و در بعضی نقاط شهر تظا هراتی برپا گردیده بود. در نتیجه برخورد پولیس با تظا هر کنندگان سه تن از تظا هر کنندگان به قتل رسیده و عده نیز مجروح گردیدند. وضع شهر چمن تا کنون متشنج بوده و قیوداتی شدیدی بر عبور و مرور در شهر وضع گردیده است.

دامن زدن به منا زعات

قوای نظامی پاکستان بار دیگر بر مواضع هند در بخش های مختلف منطقه پونج در امتداد خطی که قسمت اشغال لی ایالت جمو و کشمیر را از دیگر حصص هند جدا میسازد آتش گشود.

یونا یتد نیوز آف اندیا گزارش میدهد که، محافظین سرحدی هند مجبور گردیدند تا به آتش متقابل بپردازند، این تبادل آتش برای چهار ساعت ادامه داشت. مطابق عادت هند گزارشی میدهند که تحریکات مسلحانه پاکستان بنظر پو شاییدن نفوذ جاسوسان پاکستانی به قلمرو هند جهت بره انداختن تخریبکاری و اعمال ترور یستی و بخاطر بی ثباتی ساختن اوضاع در هند منطقه ستراتیژیک شمال غرب هند و دامن زدن به منازعات فرقه وی میان اتباع هند صورت میگیرد.

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

تلاش برای تأمین امنیت اروپا

تبره ما

که به در جات مختلف تحت نفوذ امپریالیزم امریکایی باشد، مخالفت ها و تخریب کارهای متنفذی در سر راه حصول به توافقات پدید آمد. ولی متذکر تلاش های برخی از کشورهای اروپا بر سر منافع ساختن موضوع کنفرانس از مسایل مهم مربوط به امنیت اروپا به حساب می آید. دیگری که از دستور کار کنفرانس خارج بود با عدم موفقیت روبرو گردید.

تدویر گرد همایی

گزارش های واصله به آژانس اطلاعاتی باختر حاکیست که از طرف عوامی نشنل پارتنی در مرغوز تحصیل صوابی سازمان داده شده، بود، اعمال جنایتکارانه امپریالیزم امریکا و دولت مستبدادی پاکستان علیه قبایل آزاد و مردم زحمتکش پاکستان شدیداً محکوم گردید.

در این گرد همایی بزرگ که هزاران اشتراک داشتند، عبدالولی خان رئیس عوامی نشنل پارتنی بیانیه همه جانبه ایراد نموده سیاست امپریالیزم امریکا و رژیم ظالم پاکستان را در برابر اقوام و ملیتهای مختلف آنکشور به خصوص مردم صوابی تقیب نمود.

گزارش می افزاید: اشتراک کنندگان گرد همایی همبستگی شانرا با انقلاب ملی و دموکراتیک شور ابراز داشته و تاضا بعمل آوردند و در بعضی نقاط شهر تظا هراتی برپا گردیده بود. در نتیجه برخورد پولیس با تظا هر کنندگان سه تن از تظا هر کنندگان به قتل رسیده و عده نیز مجروح گردیدند. وضع شهر چمن تا کنون متشنج بوده و قیوداتی شدیدی بر عبور و مرور در شهر وضع گردیده است.

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

پاکستان

معامله با شیطان بزرگ

یادداشتی بر خبر

ساخته شده به نشانه آغازگر روابط مجدد امریکا و ایران و چندین تفکیکه امریکایی به رسم «تفچه» شیطان بزرگ به سران «ضد امریکایی» رژیم تقدیم داشته است.

تدویر جرگه وسیع قومی

قبایل آزاد را به تخته خیز علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان مبدل ساختند و در مقابل انقلاب ثور سنگ اندازی نمایند که اقدامات جنایتکارانه آنها زندگی صلح آمیز مردم قبایل آزاد را به مخاطرانده خته است.

در این جرگه بزرگ قومی که اخیراً از طرف مردم با شهادت قوم سیمین خیل مسکد در منطقه تحصیل بیازه وزیر ستان جنوبی تصویر یافته بود، ملک گلبدین محمد خان، ملک انان خان و عده دیگر از سران و مشران آن قوم شرکت ورزیده بودند.

سخنرانان این جرگه در رابطه به سیاست خصمانه رژیم جبرال ضیاء در مقابل جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم غیور قبایل آزاد صحبت نمود، تأکید ورزیدند که حکومت پاکستان ضد انقلاب افغانی را در مناطق قبایل آزاد جا داده و به این وسیله میخواد از یکطرف جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان را ادامه داده و رضایت بادران امریکایی را حاصل نماید و از سوی دیگر احساسات آزادیخواه هان مردم دلیز قبایل آزاد را سرکوب کند.

همچنان طی جرگه تذکر داده شد که حکمرانان سفاک پاکستانی میکوشند تا مناطق

شده و هر چه زودتر جلو جتایات ضد انقلاب گرفته شود. همچنان دولت پاکستان مدخلات مفرضانه و بیشتر ما نه غویش را در اهرام و داخلي جمهوری دموکراتیک افغانستان و قبایل آزاد قطع نماید، در غیر آن مردم قبایل آزاد دست به اقدامات جدی زده و حقوق حقه شان را به زور اسلحه بدست خواهند آورد.

این جرگه وسیع قومی با شعار مردم افغانستان انقلابی و قبایل آزاد با هم برادر اند و هیچ نیروی اهریمنی آنها را از هم جدا ساخته نمیتواند، خانه یافت.

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

سنگر مبارزه

بازسازی امور: نظریات مردم

موسسه مرستون چه میکند؟

مبارزه با اعتیاد
با تداوی معتادین
توام شود
به اداره محترم حقیقت
انقلاب ثور!

با آنکه از مدت‌ها به این سواز
طرف بریکاد های ضرر بنسی
سازمان دموکراتیک جوانان
مراجع اعتیاد مبارزه علیه
اعتیاد جریان دارد، ولی
چاره و راه علاج اساسی که
عبارت از بسترن و تحت
تداوی قرار گرفتن معنادین
است. با آنکه این معیت
است و شفا نماند، هم
عنوان اینکه بسترنی وجود
نظرد از پذیرفتن این معیت
بیش از شفا نماند، می کند.
اینکه نه معنادین که فدا ی
بی تجرب به گی خود فدا ی
دستان آلوده ضد انقلاب
گردیده اند، بدون تداوی
اساسی ازین مصیبت نسبی
توانند رهایی یابند، لذا باید
به خاطر نجات آنان شفا
خانه پیدا گانه اعمار گردد.
اگر اعمار چنین شفاخانه
بی مصرف بزرگ را ایجاد
می کند، میشود عجالتاً قسمتی
از یک شفاخانه را به این منظور
اختصاص دهند و با هم معنادین
به صورت اساسی تحت
تداوی قرار گیرند و هم مبارزه
با اعتیاد پروسه بی مکمل
و موثر گردد.
دانشیار
ایمل از مکرور بان سوم

با قدر دانی یاد میکنم به
شهادت تعداد کثیر و روز-
افزون گداهای روی خیابانها
یاد آرد میشود که در موسسه
مرستون وظایف اصلی و رف-
عی اشتباهاتی یکی در محل دیگر
اخته موقع نموده اند، اصولاً
باید در قدم اول گداهای پائین
افراد بیکار و مزاحم از خیابان
ها جمع و بعداً توسط نیروی
کار آنها به فارمهای یاد شده
رو تق داده میشد و یقیناً از
حاصلات آنها بهره برداری
بیش صورت گرفته می توانست.
بهر صورت در مورد اینکه
چه کسی در وظیفه تعلل ورزیده
و چه کسی این همه بی بندوباری
هارا باعث گردیده حق ابراز
نظر را بخود ننیدم و آنچه
مسئلاً باید گفته شود این است
که حزب و دولت در چارچوب
مواظبت ها و غیورهای های
هیئت موسسه مرستون
را بایک بودجه قابل ملاحظه
و تجهیزات مکمل تر در اختیار
مردم قرارداده و اینکه گردا-
ندگان موسسه تاجه حصرام
های حزب و دولت رادر عمل
پیاده مینمایند درخور توجه
میشود.
من از کمیته محترم - زبی
شهرکابل صمیمانه خواهش
مینمایم تا با یک بر رسی
مستقیم تدابیر لازم را در زمینه
اتخاذ فرمایند.

قانونی قرار داده شوند.
تصادفاً در یک نشست مختصر
بایک از مسوولین موسسه
ستون داشتند در مورد تعداد
روز افزون گداهای شهر و در
مورد این افواها که کمیگروند
موسسه مرستون در فارمهای
میکانیزه زراعتی، مالدار ی،
مرغداری، زنبورداری و غیره
در گیری هایی پیدا کرده
و در اثر همین مصروفیت
غافرو گذاشت هایی درو-
طال.

وزاری برای تداوی آن از
مردم استنادهای میجویند.
حقیقت این است که انقلاب
باصیه قدرت و توانایی که دارد
در خدمت مردم قرار داشته و
در ظرف هشت سال گذشته
باوصف دشواریهای متنوع
ناشی از جنگ اعلام نشده
امپریالیستی علیه وطن ما
در گرونی های عینی در زنده
گی فردی و اجتماعی بود و چون
آورده واز هیچگونه کمک و
مساعدت ممکن در راسخوده
کی مردم مضایقه نگردیده که
از جمله میتوان از طبوقایی
و معالجوی یاد کرد که در سر-
تاسر مملکت به صورت را-
یگان در خدمت مردم قرار داده
شده اما وقتی یک عده مریض
فارمهای یاد شده تایید و چنین
و انمود کرد که به اساس
هدایت رسمی که برای شان
داده شده مانند سایر موسسات
زمینهای الحاقیه شان را مورد
بهره برداری قرار داده اند.
کارهای موسسه مرستون

سال گذشته تحت عنوان
فوق در مورد افزایش روز-
افزون گداهای و گداهای که
هفته روزه در خیابانهای شهر
کابل باناله ها و ضجه های
غالباً تصنیی اسباب اذیت
مردم را فراهم میسازند، تذ-
کراتی داده و از موسسه مر-
ستون خواهش نموده بودم
تا منجبت وظیفه به جمع آوری
که هرچه زودتر اقدام نمایند
که خوشبختانه موسسه
محترم مرستون نیز ازین
نبشته باگرمی استقبال و در
پاسخ شان وعده دادند که
عقرب یکجک جرگه نمایند
گان شهر کابل تمام گداهای
جمع آوری خواهند شد. ازین
وعده و پاشته محترم مرستون
یکسال مکمل سیری گردید
اما در تعداد گداهای نه تنها
کاهشی بعمل نیامد، بلکه
ازین ناحیه بیشتر از پیش
اسباب اذیت عابریین فراهم
گردیده است. به طوریکه در
مردم ترین پیاده روهای شهر
مانند بل باغ عمومی و امثال
آن گداهای در عرض پیاده رودراز
کشیده زرد م طلب کمک می
نمایند. در چنین پیاده روهای
که عابریین به مشکل میتوانند
برای خود راه پیدا نمایند
حظ چنین یک صحنه ها واقعاً
درخور تأمل میباشد. چه بسا
که گاهی یک مریض تصنیی را
روی چارپایی انداخته باضجه

باید به تگدی در روی جاده های
شهر خاتمه داده شود و به آنانیکه
قدرت تولیدی دارند، در مر بو-
طات سرده میاشت و جاهای منا-
سب دیگر مشغولیت تأمین شود.

مساعدت ممکن در راسخوده
کی مردم مضایقه نگردیده که
از جمله میتوان از طبوقایی
و معالجوی یاد کرد که در سر-
تاسر مملکت به صورت را-
یگان در خدمت مردم قرار داده
شده اما وقتی یک عده مریض
فارمهای یاد شده تایید و چنین
و انمود کرد که به اساس
هدایت رسمی که برای شان
داده شده مانند سایر موسسات
زمینهای الحاقیه شان را مورد
بهره برداری قرار داده اند.
کارهای موسسه مرستون



سیاس بزرگ به دوستان

همکاری فدا کارانه

به کمیته مرکزی حزب
کمونست اتحاد شوروی
رفقا! کمیته حزبی ولایتی
بکتیکا به نمایندگی از سازمان
های اجتماعی، ادارات دولتی،
ارگانهای امنیتی و کلیه
زحمتکشان ساکن ولایت
بکتیکا به مناسبت همکاری
فداکارانه، تاریخی و انتر-
ناسیونالیستی قطعات محدود
شوروی و خلق قهرمان آن این
با سدا و ان واقعی صلح
جهانی، صمیمی ترین سید
سیگاری و خورشید تقدیر
مینمایند.
رفقا! ما افتخاراً افتخار
داریم که در امر دیگری
انقلابی و تحولات سیاسی
اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
و در دفاع از دست آورده های
انقلاب ثور در برابر جنگ
اعلام نا شده از تهاجمات
و امپریالیزم جهانی در رأس
آن امپریالیزم خون آشام
ایالات متحده امریکا از جانب
یت و همکاری دو سگانه و
برادرانه حزب، حکومت
و مردم بشر دوست و انتر-
ناسیونالیست شما برخوردار
داریم، اما یقیناً که مسئول
داریم که ح. د. خ. به اشتراک
فعال مردم خویش و پساً
همکاری بی شائبه شما
جنگ نا اعلام شده امپریال-
یزم را خنثی و جادو نمائیم
را ایجاد خواهند کرد. قطعات
محدود اردوی صلح دوست
اتحاد شوروی در شرایط
دشوار و پر مشقت با مس-
افغانستان به موقع
یاری رسانید، دوسر کوب
با تدبیرهای ضد انقلاب افغانی
و در قلع و قمع دسایس
توطیه های امپریالیزم جهانی
نخوار و طایف و اقوام
ناسیونالیستی را شایسته
و به حسن صورت ایضا
نموده است.
ما مردم قدر شناسان افغان
این همکاری شایسته را
قراوش نخواهیم کرد.
زمانیکه به موافقه حکومت
افغان - شوروی عودت شش
غند میکانیزه با وسایط
تشکیل آن بوطن صلح دوست
و آبائی شان صورت گرفت،
این عمل صلحجویانه اتحاد
کمیته حزبی ولایت بکتیکا

عملیات پرورمندان

گروبی از ضد انقلاب که
در قریه کاریز و لوسالسی
پنجوایی ولایت کندهار
کرده و باعث اذیت مردم
زحمتکش اینجا میگردد، اخیراً
طی عملیات پرورمندان
مسلح سرکوب گردید.
در نتیجه این عملیات عده
از عناصر ضد انقلاب سر-
کوب گردیده و از نزد شش
چهار میل دهنده چهارده

تصحیح ضروری

در شماره روز یکشنبه
۱۸ شرب در صفحه اول در
میلون افغانی به (۲۰۰)
مطلب تسهیلات برای همیشه
انده شود.

پیوستن به صفوف مدا لعیان انقلاب

به سلسله پیو-
ستن هوایان، به صفوف
مدا لعیان انقلاب اخیراً
مدا لعیان انقلاب قریه
تشتار و لسوالی نهرشاهی
ولایت بلخ ایجاد گردید.
در محلی که به این مناسبت
تظویر یافته بود، از آنکه
مدا لعیان انقلاب و دولت
از این پیوستن وین توضیح
گردید، محمد طریف قوما-
ندان گروه مدا لعیان
به نمایندگی از سایرین
در امر تحقق پلان سیاسی
الهیانه حزب و دولت
ایراز آماده گشت.



متخصصین کشور دوست و برادر اتحاد شوروی در عرصه
های گوناگون زنده گسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
به منظور تسریع انکشاف آن عرصه ها با افغان نستان
انقلابی یاری و مساعدت می نمایند. مساعدت در

در مکتب تخنیک حرفوی شبیرغان

بیاموزیم
ویسکار
بیسندیم

افغان گام می باشد. به
تاسی از این هدف مطابق
رهنمود وزارت تحصیلات
عالی و مسلکی ج. د. خ. در حال
حاضر شصت و سه شاگرد
در رشته برمه کاری چام-
غی اکتشافی و استخراجی
نفت و گاز، شصت و دو تن
در رشته ماشینکار دستگاه
های برمه، بیست و هفت تن
در رشته ترمیم ماشین
آلات و سی تن در رشته برق
و مراقبت دستگاه های برمه
توسط دوازده تن از استادان
و متخصصین داخلی و خارجی
تدریس نظری و عملی میشوند
و دوره آموزش مدت دو سال
دوام میکند.
منبع در مورد سیستم
تدریس شاگردان مکتب
تخنیک حرفوی گفت:
در مکتب تخنیک حرفوی
مضمون اساسی و پنج
طور نظری و عملی تدریس می
گردد و شاگردان بعد از ختم
دوره تحصیل مطابق رشته
های تخصصی شان به صفت
حکمت جو

کارگران نورز بهر پروژ
های تولیدی جزو چان به
کار گماشته میشوند.
همچنان در جنب مکتب
تخنیک حرفوی در سال
گذشته یک کورس کو تاو
مدت تریه ماشینکار
تراکتورچی تاسیس شده
که در مدت شش ماهی و دو
نفر شاگرد فارغ شده و در
سنتین میکانیزه زراعتی
آن و لایست مصروف
خدمت شده اند. همچنان
یک کورس دیگر در رشته
دیزلیست با شمولیست
دوازده تن از کارگران پروژه
نقص نفتو گاز شمال ایجاد
گردیده است و هم در نظر
است یک کورس دیگر با
بشمول بیست تن شاگرد
برای مدت نه ماه در بخش
کمپاین کارو تراکتورچی
تاسیس نمایند و در آینده
باز هم فعالیت های مکتب
تخنیک حرفوی تیر به
شیرغان توسعه خواهد
یافت.



ارتقای سطح کمی و کیفی نو لید مستقیماً با مهارت مسلکی کارگران پیوند دارد.
برای این منظور در موسسات تولیدی کشور مکاتب تمام کارگری تاسیس و کارگران
تحت آموزش قرار میگیرند. در عکس: نمایان از مکتب تمام کارگری در موسسه
نشرانی کمیته مرکزی ج. د. خ. ۱.